

دنیای دیوانه، دیوانه، دیوانه

بمناسبت وقایع سوریه

امیرفیض - حقوقدان

چندسالی قبل از شورش ۵۷ روزنامه مردامروز مقاله ای داشت زیر عنوان «دنیای دیوانه، دیوانه، دیوانه» هیچ یادم نیست که آن مقاله به چه مناسبتی نوشته شده بود ولی آنچه که امروزه در جهان کشورها میگذرد برآستی که شایسته چنان عنوانی است.

از زمان ریاست جمهوری آقای اوباما هرج و مرج عجیبی در جهان سیاست و اعمال زور و قدرت بوسیله آمریکا واقمارش پدیدار گردیده که در سابق حتی ریاست جمهوری جرج بوش که یکی از متجاوزترین روسای جمهوری آمریکا ست با این بی پروائی سابقه ندارد.

دیروز خبری منتشر شد که اوج هرج و مرجی رادردی غیرقابل باور نشان میدهد و عجیب اینکه قبح اعمال ضد بشری و مخالف منشور سازمان ملل هم حتی نزد سازمان ملل هم از بین رفته است.

خبر، ترور وزیر جنگ سوریه و شخصیت های دولتی آن کشور بود این خبرچندان مهم نبود، عملیات تروریستی در جهان امروز در کمال تاسف امر رایجی شده و آنهم ترورهای دولتی ولی آن چیزی که بسیار عجیب و در طول تاریخ ساسی کشورها خاصه از زمان تشکیل جامعه ملل و بعدا سازمان ملل ابداء سابقه ندارد بهره برداری های خلاف انسانیت و منشور سازمان ملل از سوی کشورهای خاصی از این عمل تروریستی است، آمریکا و انگلیس و فرانسه اعلام کردند که «حالا که ساختمان شورای امنیت ملی سوریه منفجر شده و کسانی کشته شده اند، پس باید بشاراسد کنارگیری کند»

هرچه فکر کردم که عملیات تروریستی علیه یک حکومت چه دلیلی میشود که کشورهای عضو سازمان ملل حق داشته باشند که خواستار برکناری رئیس جمهور آن کشور بشوند نتوانستم درک مقصود و مفهوم کنم و بیشتر حیرت آوراست که کشورهایی که میخواهند از ترور شخصیت های نظامی و سیاسی سوریه استفاده کنند خودرا از پرچمداران مبارزه با تروریسم هم معرفی میکنند.

ترور شخصیت های نظامی و سیاسی سوریه از سوی مخالفین نشان و دلیل قاطعی است بر محکوم بودن عمل ترور و متقابلا حمایت از ترورشدگان. چگونه ممکن است این قاعده معمول و مورد عمل کشورها ی مخالف با تروریسم در مورد سوریه برعکس عمل شود؟

اقدام و استفاده کشورها از رویداد ترور شخصیت ها نه تنها حمایت از تروریست ها و تائید ترور است بلکه بهره برداری و ادامه کار تروریست ها هم هست و این است که چنین چیزی دردنیای عقل و انسانیت ظهوری ناممکن دارد ولی دردنیای دیوانگان چنانکه میبینیم دارد یک امر عادی و یک رویه و عرف بین المللی میشود.

رابط مود فرمانده ناظران سازمان ملل متحد در امر سوریه گفته «مخالفان دولت سوریه هیچگونه همکاری با طرح کوفی عنان ندارند همو اضافه کرد که آنها حتی ناظران سازمان ملل متحد را هم هدف تیر اندازی قرار میدهند باهمه این مراتب به اصرار خانم کلینتون «بشاراسد باید کنارگیری کند»

مقصود از تمسک به فرمانده ناظران سازمان ملل این است که سازمان ملل متحد ناظر وقایع سوریه و دخالت کشورهای خارجی خاصه عربستان و قطر و امارات و آمریکا واقمارش هست ولی معهدا واکنشی که در تعهد آن است رعایت نمیکند استغاف لندن من مفسر آمریکائی در تلویزیون پرس تی وی در تفسیر وقایع سوریه گفت «سازمان سیا و ام ای ۶ انگلیس پشت

جریان های سوریه هستند نکته جالب در اظهارات او این است که گفت «جنگ سوریه دقیقا الگوی جنگی است که در سال گذشته در لیبی اتفاق افتاد و شورشیان را وا شکتن براه انداخت و آنها را از لحاظ مالی و سلاح پشتیبانی کرد»

واما بعد - اهمیت سرنوشت سوریه در نظم جهانی

وزیر خارجه روسیه در رابطه با بحران سوریه اظهار داشت: «سرنوشت سوریه، نظام و نظم جدیدی را در جهان رقم خواهد زد»

همانطور که ملاحظه میشود پشتیبانی روسیه و چین در شورای امنیت سازمان ملل متحد مانع شده است که آمریکا و فرانسه و آلمان و انگلستان موفق به تحصیل اجازه و قطعنامه ای بشوند که با عملیات نظامی همانند لیبی کار سوریه را خاتمه دهند.

نکته ای که جای طرح آن همینجاست این است که نباید تصور کرد واقعا روسیه حاضر است به خاطر حاکمیت سوریه و یا اصل عدم مداخله کشورها در امور کشورها در مقابل کشورهای اروپایی و آمریکا ایستادگی کند بلکه باید از این توجه غافل نماند که اگر روسیه و چین در موضوع لیبی از حق و توی خود در شورای امنیت استفاده نکردند نه به علت اغفال بود بلکه پس از پیروزی کشورهای غربی بر لیبی، به منافع روسیه و چین در لیبی اعتنائی نشد و در واقع غرب طبق معیار همیشگی خلف وعده کرد، اینکه یکی دور بارهم وزیر خارجه روسیه گفت ما «روند شورای امنیت را در لیبی در مورد سوریه قبول نداریم» نشانه ای است از اینکه موافقت روسیه در شورای امنیت بمناسبت قطعنامه لیبی بر مبنای توافقانهایی بوده است که غرب به آن توافقانهایی اعتناء مانده است (پایان نکته)

حمایت و ایستادگی روسیه از حکومت سوریه اگر به بقای حکومت بشار اسد منجر بشود و غرب در برنامه خاصی که برای سوریه تدوین کرده که در واقع زیر بنا و مقدمه طرح جهانی آمریکا برای خاور میانه است باشکست و عقب نشینی رو برود، روسیه و چین بعنوان قدرتهای سیاسی انحصاری در مقابل آمریکا و غرب تجلی خواهند کرد و ملت ها و حکومت هایی که حاکمیت خود را در خطر تجاوز و دخالت آمریکا و غرب میبیند و اکنون برای حفظ موقعیت خود ناچار در ردیف اقمار و کشورهای وابسته به آمریکا در میآیند با موقعیتی مواجه میشوند که میتوانند از قید پیوستگی به اردوی آمریکا خارج شوند و یا از پیوستن به آن خودداری کنند و نتیجه این عمل بوجود آمدن قدرتی است که عینا در دهه ۴۰ و ۵۰ آمریکا داشت و کشورهای جهان برای حفظ استقلال و حاکمیت خود از تهاجم شوروی به آمریکا و حمایت آن کشور چشم دوخته بودند و آمریکا تنها کشوری بود که از منشور سازمان ملل متحد دفاع میکرد و در مقابل اقدامات مداخله جویانه شوروی سخت ایستادگی مینمود، نمونه آشکار حمایت آمریکا از ایران در وقایع تجزیه آذربایجان بوسیله شوروی بود.

اما این سناریو و پیامم که برای کوتاه مدت به کشورهای ضعیف ممکن است نفسی تازه بدهد و به اصطلاح آنها از چنگ گرگ آمریکا نجات بدهد و مصداق حرهائید از دهان و چنگ گری> شود، عملی شدنش با دیدگاه های بسیار بعید همراه است.

عقب نشینی آمریکا و اقمارش در سوریه حرکت نظم نوین جهانی آمریکا که سالهاست در جریان موفقیت است را متوقف میکند و نه تنها متوقف، بلکه زمینه فرار کشورهای از نفوذ آمریکا و حتی عقب نشینی خود آمریکا را هم میسازد اینجاست که میتوان اهمیت پیروزی غرب در سوریه را مقابل اظهارات وزیر خارجه روسیه گذاشت و این درک را هم از اظهارات ایشان کاسب شد که خود وزیر خارجه روسیه نیز به اهمیت سرنوشت سوریه در نظم جهانی و ایجاد موقعیت قطبی برای آن کشور آگاه است و میداند که داشتن ۷۳۷ پایگاه نظامی آمریکا در ۱۳۰ کشور خارجی که تعداد مراکز و پادگان های ارتش آمریکا در آن کشورها به ۶۰۰۰ [هزار] میرسد چه نقش قاطعی در پیشبرد برنامه سلطه گرانه آمریکا ایفا میکند.

حاشیه - پایگاه نظامی به مرکزی گفته میشود که بر اساس امضای قراردادی با کشور صاحب خاک برای مدت های طولانی که معمولا بیشتر از ۵۰ سال است امضا میشود و ظرفیت آنها از ۳۰ هزار نفر بیشتر است و این پایگاه ها با مراکز نظامی موقت

تفاوت دارد از باب مثال آمریکا بصور رسمی در عراق یایگاه نظامی ندارد ولی بطور رسمی آمریکا ۵۵ مرکز مهم نظامی در عراق دارد (پژوهش محمد عجم ۱۳۸۸)

الگوی سوریه و لیبی برای ایران

وابستگی و پیوستگی کشورهای جهان بایکدیگرو اتصال حقوقی آنها بامنشورسازمان ملل متحد و دیگر عهدنامه های بین المللی و نیز قالب رویه های حقوق بین الملل وضعی رابوجود آورده است که نمیتوان گفت که جریان سوریه و لیبی به کشورهای ثالثی مانند کشورما ایران ربطی ندارد، این چنین باوری که برخی مدعی اند همانند مجلس شورای ملی در سال ۱۹۰۷ یعنی دوران اول مشروطیت است که وقتی قرارداد ۱۹۰۷ که کاشف از قرارداد روس وانگلیس در مورد ایران و تقسیم آن به مناطق نفوذ در مجلس مطرح شد یکی از وکلای مجلس گفت: < آنها قراردادی بین خودشان بسته اند بما چه مربوط است >

اگر هدف غرب در برکناری بشار اسد باهدف کلی غرب در برداشتن حکومتی که در بست در اختیار آنها نیستند از لوازم طرح جهانی بر رهبری آمریکا شناخته شود که حتما شناخته میشود، ایران نمیتواند از این معادله خارج باشد چنانکه کشورهای بسیاری هم خارج نخواهند بود.

آمریکا در طول حیات سیاسی خود هر ۵ سال یک جنگ داشته است. نصابی که هیچ کشوری حتی به پایین ترین مراتب آن هم نمیرسد نگاه به کیفیت جنگها نشان میدهد که غالب آنها با حملات نظامی مرتب به اجراء آمده است ولی در زمان اوپاما استراتژی آمریکا در حمله به کشورها و تسلط خود بران کشورها تفاوت فاحشی یافته است بجای ارتش و نیروهای نظامی که مستلزم تلفات و هزینه های سنگینی است از راه اندازی شورشهای داخلی علیه حکومت کشورها استفاده میکنند و هزینه آنها را به گردن کشورهای هم پیمانان ضعیف و ترسو که نگران موقعیت خودشان هستند، می اندازد چنانکه در جریان لیبی و سوریه هزینه شورش و حقوق شورشیان و تسلیحات آنها از طرف هم پیمانان آمریکا یعنی عربستان و قطر و امارات و سایر کشورهای عرب ثروتمند ولی دست نشاندۀ آمریکا تامین میشود.

این کشورها با اعزام تروریست و افراد آزمایش یافته به کشورما و حمایت مالی و لجستیکی از آنها و همچنین ایجاد چتر بین المللی بمنظور مشروعیت جهانی، براحتی وضعی که در سوریه و لیبی جریان یافت، برای کشور ما هم رقم خواهد خورد و گروهی از تروریستهای عرب و القاعده در اختیار آمریکا و کشورهای عرب بعنوان اهالی خوزستان و سیستان و بلوچستان براهنمانی مجاهدین خلق که بنا بر اعلام جراید امریکائی در پایگاه های آمریکا آموزش می بینند، الگوی لیبی و سوریه را برای کشورما فراهم خواهند ساخت و نام آنها را میگذارند (دوستان ایران !!)

در بکارگیری الگوی سوریه و لیبی برای ایران کمترین اختلافی دیده نمیشود از «هارت و پورت» جمهوری اسلامی که بگذریم اصل مهم درخواست اهالی سوریه و لیبی از آمریکا برای کمک به شورش و دخالت در امور کشور بوده است که در مورد ایران هم در کمال تاسف این درخواست بکرات تکرار و حتی بعلت مسامحه آمریکا بعلت اشتغال به شورش سوریه، به اعتراض و استیضاح ایرانیان خانن به ایران هم کشیده شده است.